

## مائی: من مسلمان نیستم، ایرانی ام

سرو آزادم، مسلمان نیستم  
سایه‌ام را بر مسلمان و یهود  
بر سر ترسائیان گسترده‌ام  
من مسلمان نیستم چون هیچ‌گاه  
پایه‌ی «کافر‌گشی» ننهادم  
سفره‌ام را گرچه درویشانه است  
پیش هم‌نوعان خود بگشوده‌ام.  
گرچه در پیکار با اهریمنان  
بارها افتاده‌ایم استاده‌ام  
لیک چون بابک، نیای پُر دلم  
عاشقانه جان شیرین داده‌ام.  
من مسلمان نیستم، دانشورم  
زاده‌ی گردآفرید دلبرم  
گرچه افتادم من از اسب جهان  
از شعور و اصل خود نفتاده‌ام  
گوهر ایرانی و اسلام؟ نه!  
من به اهریمن مگر تن داده‌ام؟!  
گرچه نامم را «مسلمان» هشته‌اند  
نه مسلمان، نه مسلمان زاده‌ام!

خردادماه ۲۰۱۲

من مسلمان نیستم، آزاده‌ام ،  
پیرو خیام، اهل باده‌ام  
عاشق آزادی‌ام، اهل خرد،  
درگریز از سجده و سجاده‌ام.  
اهل ایمان نیستم، اهل دلم  
اهل شعرم، اهل شور و شادی‌ام  
مرتدم من، کافر م، گبرم ولی  
کوروش و زرتشت را من زاده‌ام.  
من خطا هم داشتم، هرگاه که  
گوهر سیم‌رغی‌ام را باخته  
پیشکار دشمنان خود شده؛  
سر به مُهر اهرمن بنهادم!  
من مسلمان نیستم، ایرانی‌ام  
خاکی‌ام، افتاده‌ام، اینجائی‌ام،  
پا بیای مردمان این جهان  
بذر آیین بشر افشانده‌ام.  
گرچه در متن بیابان زیستم